

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

روسیه و پرونده هسته‌ای ایران در دوره
آقای روحانی؛ چیستی و ضرورت‌ها

تحلیل ماه: روسیه و پرونده هسته‌ای ایران در دوره آقای روحانی؛ چیستی و ضرورت‌ها
بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران -
معاونت پژوهشی

مؤلف: علی‌رضا نوری

تاریخ انتشار: ۹۲/۴/۱۰

تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۰۶۲۰۵

صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵

نشانی اینترنت: www.tisri.org

کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به
هرصورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.



روسیه و پرونده هسته‌ای ایران در دوره آقای روحانی؛ چیستی و ضرورت‌ها

مقدمه

انتخاب آقای روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید ایران و تأکید ایشان بر «اعتدال» در سیاست خارجی و تعامل «سازنده» با جهان، حکایت از احتمال «زیاد» تغییر در «روش‌ها» و رویکرد موجود در سیاست خارجی ایران دارد. احتمال سرایت این تغییرات به پرونده هسته‌ای ایران و مذاکرات تهران با ۵+۱ نیز «زیاد» به‌نظر می‌رسد. عملکرد متفاوت آقایان روحانی و جلیلی و آشکارتر شدن رویکرد متفاوت آنها به این مسئله در مناظرات انتخاباتی، انتظار تغییرات «تاکتیکی» را بیشتر می‌کند. همین امر، گمانه‌زنی‌هایی را در باب شرایط جدید در پی داشته است. اظهارنظر آقای لاوروف در ۱۸ ژوئن در باب آمادگی ایران برای تعلیق غنی‌سازی ۲۰ درصدی اورانیوم و ضرورت اقدام متناسب از سوی غرب برای رفع تحریم‌ها^(۱) را می‌توان اقدامی از این جنس دانست. صرف‌نظر از صحت و سقم این اظهارنظر، سؤال مهم‌تر مرتبط با روسیه این است که در شرایط جدید جایگاه و سیاست آن، چه خواهد بود و این کشور تا چه حد توان تأثیرگذاری بر روند آتی حل موضوع هسته‌ای ایران را خواهد داشت؟

سیاست تبعی روسیه در موضوع هسته‌ای ایران

برای پاسخ به چیستی جایگاه، چگونگی سیاست و مقدار توان روسیه برای اعمال تأثیر در روند آتی موضوع هسته‌ای ایران در ابتدا باید نگاهی به عملکرد پیشین این کشور داشت. فراز و فرود مواضع مسکو در قبال این پرونده نشان می‌دهد که روسیه با در نظر داشتن ملاحظات داخلی و خارجی، بر آن بوده تا با موضعی میان‌گیر منافع خود را هر دو سوی این پرونده یعنی ایران و غرب حفظ و خود را بازیگری مسئول معرفی کند. لذا از یک‌سو هم‌راستا با تهران حق ایران به استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، غنی‌سازی اورانیوم^(۲) و داشتن چرخه سوخت هسته‌ای را پذیرفته و با تحریم‌های یک‌جانبه و تهدید به اقدام نظامی



علیه تهران مخالفت کرده، اما از سوی دیگر و هم‌راستا با غرب بر وجود ابهام در فعالیت‌های هسته‌ای ایران و ضرورت پاسخگویی شفاف تهران به ابهامات نیز تصریح کرده است.^(۳)

به‌رغم ارزیابی مثبت مقامات کرملین از این سیاست، این رویه در برخی مواقع با نگاه بی‌اعتماد و انتقاد هم‌زمان تهران، بروکسل و واشنگتن روبه‌رو بوده و گاهی منفعت‌طلبانه نیز ارزیابی شده است. اما مهم‌ترین نقص سیاست عملی روسیه در موضوع هسته‌ای ایران را می‌توان تأثیرپذیری «زیاد» آن از «متغیر» آمریکا دانست. نوسانات در روابط مسکو - واشنگتن از پوتین، تا مدویدیف و سپس پوتین و تأثیر آن بر مواضع مسکو در قبال برنامه هسته‌ای ایران از جمله همراهی بیشتر با آمریکا در دوره مدویدیف و رویکرد محتاطانه‌تر در دوره پوتین مؤیدی بر این مدعاست. قابل تأمل اینکه مسکو در هر دو دوره تلاش کرده دو هدف خود در این موضوع یعنی نایستگی دستیابی تهران به بمب اتم و نایستگی تسلیم شدن ایران به فشارهای آمریکا را در تعامل با غرب (و نه ایران) محقق نماید.

هرچند روسیه براساس منطق معادلات نظام بین‌الملل نمی‌تواند در پرونده هسته‌ای ایران رفتار کاملاً مستقلی از روندهای مسلط در این نظام به‌ویژه ملاحظات هژمون ضعیف‌شده آن یعنی آمریکا داشته باشد و همراهی آن با واشنگتن برای کسب منفعت بیشتر انتخابی منطقی است، اما وابستگی «زیاد» آن به بازیگردانی «آمریکا» بی‌تردید نقضی مهم است. هرچند نمی‌توان گفت که مسکو در سناریوی آمریکا بازی می‌کند، اما سیر تحولات گواه دنباله‌روی و عدم توان روسیه به انجام ابتکار خارج از چهارچوبی است که حدود آن را آمریکا ترسیم می‌کند. عدم توجه «عملی» به طرح گام‌به‌گام مسکو، نشانه‌ای ملموس از دامنه محدود اقدام مسکو است. نارضایتی واشنگتن از نقش روسیه در تخفیف یا تأخیر در فشارها بر ایران از یک‌سو و عدم اثرمندی این مخالفت‌ها در «نتیجه‌نهایی» از سوی دیگر نیز از همین منظر قابل تفسیر است.

مذاقه در باب «ماحصل» حضور روسیه در پرونده هسته‌ای ایران نیز حکایت از عدم تحقق منافع مسکو و برآورده شدن خواست آمریکا از جمله استفاده ابزاری از «حضور» مسکو برای مشروع‌سازی فشارهای ناعادلانه بر تهران خصوصاً در تصویب قطعنامه‌های تحریمی دارد. این درحالی است که سیاستمداران کرملین به‌خوبی به این مسئله که مخالفت آمریکا با برنامه هسته‌ای ایران نه ماهوی، بلکه ابزار فشاری برای ایجاد تغییر در رفتارهای خارجی تهران است، وقوف دارند. اشاره مسکو به اینکه هدف تحریم‌های «سخت» علیه ایران تغییر



رژیم است،^(۴) گواهی بر وجود این آگاهی است.

اشاره برخی مقامات مسکو به «جدی» نبودن طرف‌های غربی در مذاکرات^(۵) نیز می‌تواند مؤید ادعای تهران باشد که آمریکا حداقل در کوتاه‌مدت تمایلی به حل مسئله هسته‌ای ایران ندارد، چراکه در صورت حل این موضوع یکی از اهرم‌های اصلی فشار آن بر تهران از دست خواهد رفت. با این ملاحظه، عدم اعمال وقوف «نظری» کرملین به اهداف کلان غرب در فشار بر ایران به متن «عملی» سیاست آن را می‌توان مغایر با ادعاهای مسکو در مخالفت با توسعه‌طلبی آمریکا و بودگی به‌عنوان «قدرت بزرگ مستقل» دانست.

شرایط جدید و ضرورت بازنگری در سیاست «عملی» مسکو

همچنان که اشاره شد به‌رغم مدعای مقامات کرملین به اصولی بودن سیاست خود در موضوع هسته‌ای ایران، این رویه در مقاطع مختلف در ایران، اروپا و آمریکا با انتقادات همراه بوده است. برای مثال، موضع مسکو در باب تحریم‌ها گاهی منفعت‌طلبانه ارزیابی شده است. به این معنا که از یک‌سو با موافقت با تحریم‌های شورای امنیت به تهران نشان می‌دهد که برای کاهش فشارهای موجود و ممانعت از افزایش فشارها در آینده به روسیه وابسته است و از سوی دیگر، با مخالفت با تحریم‌های یک‌جانبه به غرب می‌فهماند که نتیجه‌بخشی سیاست فشار منوط به همراهی مسکو با این تحریم‌هاست.^(۶)

اما تصریح شد که نقص مهم سیاست عملی روسیه، وابسته شدن بیش از حد آن به «آمریکا» است. این درحالی است که واشنگتن زمینه و قواعد بازی در این موضوع را در فضای روانی خاصی «تصویرسازی» کرده و قرار نیست جز مطلوبیت آن تحول دیگری حاصل شود. طرح گام‌به‌گام به‌عنوان اصلی‌ترین راهکار روسیه برای حل مسئله هسته‌ای ایران نیز از این آسیب بی‌نصیب نبوده و مذاقه در کلیات این طرح همچون رفتار «عملی» روسیه چیزی ورای چهارچوب تبیین‌شده آمریکا یعنی راهبرد «دیپلماسی - فشار» به‌دست نمی‌دهد. حتی به‌نظر می‌رسد خود مسکو نیز به اجرایی نبودن این طرح باور داشته و به آن به‌عنوان سازوکاری برای توسعه «فضای مانور» و نه «حل مسئله» می‌نگرد. به این اعتبار، می‌توان مدعی شد که در این طرح از یک‌سو درک واقع‌بینانه‌ای از ایران و فعالیت‌های هسته‌ای آن و از سوی دیگر از غرب و چرایی فشار آن بر این فعالیت‌ها مشاهده نمی‌شود. با این ملاحظه و با عنایت به تغییر شرایط در ایران پس از انتخابات ریاست‌جمهوری و



کاستی‌های اشاره‌شده در سیاست «عملی» روسیه، بازنگری در این سیاست ضروری به‌نظر می‌رسد. چراکه باتوجه به سابقه آقای روحانی در مقام مذاکره‌کننده پیشین هسته‌ای ایران، می‌توان حدس زد وی با رویکردی عمل‌گرا گفت‌وگوی مؤثر با طرف «اصلی» یعنی «غرب» در معنای عام و در صورت وجود «شرایط» به‌طور خاص با آمریکا را در دستور قرار می‌دهد. همچنین به‌نظر نمی‌رسد ایشان تمایل زیادی به استفاده از نقش «واسطه‌ای» روسیه و چین یا به تعبیر برخی تحلیلگران روس، استفاده از کارت مسکو و پکن در برابر غرب^(۶) را داشته باشد.

لذا در صورت مهیا شدن شرایط برای تحقق خواست آقای روحانی برای مذاکرات «سطح بالا» با اروپا و آمریکا، نقش «واسطه‌ای» مسکو از حیث تأثیر خارج خواهد شد و کرملین باید نظاره‌گر این مذاکرات و نتیجه آن باشد. اعلام آمادگی «آمریکا برای گفت‌وگوی مستقیم با ایران (پیش از انتخابات) نیز می‌تواند ناشی از این فرض باشد که واشنگتن بدون حضور روسیه (و چین) بهتر می‌تواند با تهران به توافق برسد. تحقق این وضعیت می‌تواند از اثرگذاری مسکو در روند آتی مذاکرات بکاهد و به‌طور حتم مطلوب کرملین نخواهد بود، چراکه طی سال‌های اخیر برنامه هسته‌ای ایران بستر مناسبی بوده تا مسکو در «وضعیت» مذاکره مستقیم با آمریکا قرار بگیرد و گاهی در زمینه‌های دیگر با آن به «توافق» برسد.

هرچند آقای روحانی به سیاست چندبرداری معتقد است و اهمیت سطح متعادلی از روابط با روسیه را یادآور شده، اما باید توجه داشت که ایران در فضای فشار غرب بر پرونده هسته‌ای خود به روسیه به‌عنوان بازیگری متوازن‌کننده می‌نگرد؛ لذا اگر زمانی مسکو قادر به ایفای چنین نقشی نباشد یا اساساً تهران نیازی به «موازنه‌گر» نبیند، انتظار اُفت اهمیت آن طبیعی خواهد بود. با این ملاحظه، در صورت عدم بازنگری در سیاست عملی فعلی روسیه، انتظار کاهش نقش آن در آینده پرونده هسته‌ای ایران دور از انتظار نیست.

جمع‌بندی

«کارنامه» حضور روسیه در مذاکرات هسته‌ای ایران در قالب ۱+۵، آرای آن در شورای امنیت، و طرح نه‌چندان منسجم گام‌به‌گام این کشور نشان می‌دهد که نخست، بازی این کشور منفعلانه و در چهارچوب ذهنی تعریف‌شده از سوی آمریکا در جریان بوده و دوم، وقوف آن به دلایل راهبردی چرایی فشار آمریکا بر فعالیت هسته‌ای ایران در سیاست عملی آن



لحاظ نشده است. از این رو، هرچند مواضع روسیه «گاهی» با تأخیر و تخفیف فشارها بر تهران همراه بوده، اما باید پذیرفت که «ماحصل» حضور مسکو در این پرونده تأثیر مؤثری در حل منطقی آن نداشته و «گاهی» از جمله با رأی مثبت به قطعنامه‌های تحریمی باعث «مشروع شدن» فشارهای «نامشروع» بر ایران نیز شده است.

با این ملاحظه و باتوجه به تغییرات تاکتیکی قابل انتظار در رویکرد ایران به پرونده و مذاکرات هسته‌ای در دوره آقای روحانی، به نظر می‌رسد مسکو برای حفظ جایگاه خود باید با بازنگری در سیاست پیشین خود، آسیب مهم این سیاست یعنی وابستگی زیاد آن به متغیر «آمریکا» را ترمیم کند. توان مسکو برای بازیگری در برابر واشنگتن زیاد نیست، اما به نظر می‌رسد در شرایط فعلی نیز می‌تواند با کاهش این وابستگی و توجه «عملی» به اهداف کلان فشارها بر تهران، انسجام قابل فهم‌تری به سیاست خود در این موضوع داده و هماهنگی ملموس‌تری در سیاست خاورمیانه‌ای خود ایجاد کند، چراکه مقاومت سرسختانه روسیه در موضوع سوریه و درمقابل، همراهی آن با چهارچوب آمریکایی در مسئله ایران می‌تواند به ناهماهنگی در سیاست خاورمیانه‌ای این کشور تعبیر شود.



پی‌نوشت‌ها

میرزا
پیر

1. Лавров: Иран готов прекратить обогащение урана до 20%” (Июнь 18, 2013). *Росбалт*.
<<http://www.rosbalt.ru/main/2013/06/18/1141995.html>>
2. Путин, Владимир (Февраль 27, 2012) “Россия и Меняющийся Мир”. *Московские новости*.
<<http://putin2012.ru/#article-7>>
3. Новикова, Евгения (Январь 13, 2012) “На тропе войны: На фоне обострения конфликта с Западом Иран заявляет о готовности к возобновлению переговоров по ядерной программе”. «*Эксперт*».
<<http://expert.ru/2012/01/13/na-trope-vojni/>>
4. Интервью заместителя Министра иностранных дел России С.А.Рябкова главному редактору журнала «Индекс Безопасности» В.Орлову «Санкции против Ирана: ресурс исчерпан». 302-15-02-2012. *официальный сайт МИД России*.
<http://www.mid.ru/brp_4.nsf/newslines/34FEBD3BE57B220D442579A50045A520>
5. “Россия готова к нападению на Иран” (Март 30, 2012). *Интерфакс*.
<<http://www.interfax.ru/world/txt.asp?id=238535>>
6. Parker, John W. (March 2012) “Russia and the Iranian Nuclear Program: Replay or Breakthrough?”. *Center for Strategic Research Institute for National Strategic Studies National Defense University*. (9): 40.
7. Khranchikhin, Alexander (June 14, 2012). “Iran’s nuclear program: Far from peaceful atoms”. Valdaiclub.
<<http://valdaiclub.com/asia/44441.html>>

روسیه و پرونده هسته‌ای ایران در دوره آقای روحانی: ...